

کوہ دستان

بلاو رهنه‌ی دیری حزبی دیده و کردنی کوردستان

سالی میکم ۱۳۲۶ زیست‌دان ۱۵ شهادت

زمانه‌ی

# جیژنی، هر به خویی و اس-<sup>۱۹۰۰</sup> ملالی کوردستان

\* دره و شینی استیره‌ی خو نش بزی، هر رون و کور دوکور دستان به ختنی سوردان \*

هزارمیلی سوپر پدمنتی له ره کو شاره سگی و ادا ده گهوری و نوخته‌ی  
به که می‌توان اتصال همان و جودی مسودی ره به ری گهوره به.  
لهم کاته‌دا بزو کی پیشوای خوشبوسته نیو سلامی ظالمی و چسبله.  
وزنان و هنرها و احساسات و شوق و شفف فوچ العادمه کومه‌لداوه  
در دکارت و پیشوای بزرز له کاتیکدا که نهندامه کاتی کیتیه‌ی مر  
کری له پیشتره‌ی دعاهنون و آکانی سی و هنگی کوردوستان‌له  
راسته‌جی تریبون له اشتراز دابوانتو به بزری بو آسمان‌هه بینا تو روی  
اجلالی فخره : مثابقی بدر نامه‌ی لاث که به پیشداز کراوبه‌تداوی  
حضاور روزنیاش فخره باشان تشریفه امتریبون هانه خواری و بیش  
تداوی گوردان و گروهان و دوسته‌ی سربازان و پیش‌مرگ که  
کاتی کوردوستان‌هه اعنوان و همه‌موی تعماش کردن و به هه موان روز  
باشی فخره ز، لدم کانه‌ده‌ایه‌هه ستوری، همان‌قی قدر مانده‌ی همه‌مویز له لایه‌ی  
سربازان و پیش‌هر گهان و توبخانه‌ی کوردوستان ده دقته  
نه ۹ جان به مقخار سوپر پدمنتی کوردوستان و ناساندندی رئیس  
کان خراک بو باشان به شاختم کردی تیز بینه‌ای ایجاد  
واسته‌دادی کومول له زرس دلخانی فرقه‌ی دیده و  
کرات اندامی فخره و ای کوردوستانه هنون.  
ماد دایکی نیشنیا تو مایون کورانی رشیدن کورود  
سرعت له دوشه کی پیمانه و دلیل هدایه و تثبیت بیزی  
و، غیر امروزی خوت هم‌نگره و بو کذن به کوره  
کاتی واگذاره که امودنا ارشدی کورانی تو  
اعیانی کرد و آخرراه له بو بیو فایلو تمه که دی  
نایکارای امیر به عیل دبرینا و زبان خوشبوسته‌ی به  
یه کباری تو و کورانی ساز و قائم کرد .  
ای نیشنیانی مادو اشکانیان ای لانکی سلاح-  
بولای مشوق چاچاتر بلیم و کو آسن بولای  
آسن و زفین (آهنربا) به عنوانی لینگیان دا و هاتن  
الدین و زور الدین و دوسم هل سکیتی لی، نی آختر  
میکری وی افزاعی نه‌خوشیان لام، با که مالدار او، و  
کورانی بی و کدامه زه کاره زه وری گهه هر  
روزی ۲۸ ی مانکی بغلانبار (دیماء) ی  
۱۳۴۶ شمسی هیئت‌نای میریدی همود لکه کانی  
حربي دیموکراتی کوردوستان و نوینرانی قابل  
وعشاره و تمواه طبقات له مالک وغیره‌هالتب  
هر برای لجه‌منصد فرسنک ریگاوه بو کوتونی  
احسانی مالی و قلمی آزمزو و نوناکیدمی  
اکساری هموانی حیوان (شاری یرنده‌ی اخخارانی  
ملی مهاباد) و کوبابل بولای گول و ووه کو  
په بوله بوده‌وره چراهان و کوبونهه .  
لمونکه سرمای چله زستان بهنیو  
ده فرو رونی زوردا چن هزار بر ایانی ایمه  
ای اختیار تهیا به محکمی وجودان و مکو عاشق  
بولای مشوق چاچاتر بلیم و کو آسن بولای  
آسن و زفین (آهنربا) به عنوانی لینگیان دا و هاتن  
محستی سفرمه‌ده و مینه و ماندویه‌تی ریگاکان نه که زرد  
همو برو خوشی و بی کهنه دل جمهله  
دزیانی بی و وجان له کاییکدا که همود کورانی دهندکی

پرتو روی روزرو میشود، در این آنچه  
ای اختیار نهایا به حکمی و جدی و موکع  
بولای مشوق بجاگاهی بیلم و کو آن بولا  
آسن و قین (آنهایها) به توندی لیکنیان داده  
همستی سازماندهی و پیشتوانی و ریکابان نه کرد  
همچو برو خوش و بی کهفین داده ای جد  
زیر آنی و ووجان له کلید کد اکه و کور عذر دند  
هور اکسپلایان بو آسمان داده زار دینون  
جهیز ؟

چونکو عشق: عشق نیشتمان . عشق آزاد  
و سر برخوبی . عشق پیشوای خوشبیست و  
رها بری جز گواهیان . هوانی و مردی حستیو  
چونکو فرشتهای بخت و اقبال ویر  
سادت و خوشبختی له لاساردوی فضای کیا  
فینک گفرمه و مهاباد نهوانی بهده نگی د  
لاونده و گیان پروره زمی خوی بودنار برو  
لذتی تسبیمی خوشبختی و بیت (فین  
ور گرفتن له مواهی هزار گوزردی عالمی سفر  
و مناگ گردید .

دلاه همو پیکوه و ملیک سراج اووه پر لامه  
ووفا بون · گیانان همو ده گنین یک جوت و لمبه  
منشأو شین و سوز بیون · حزبی دیبو کارانز  
کوردوستان نهودلایی پیکوه راگرتبو و  
ستی مایت نه ارواحی بیده کوباستیو ·  
نعمانه هممو اه کیرا بون ؟

همه موله هیزی درسی پیدا نمود اعجازی وینه می خواهد  
پیوندی کوردوغانه کوری باشندگانی کوردستان  
امروزانه رهبری میزنه حزب دیموکرات  
کوئردستان: جنگنایی قاضی محمد: کدهم کله  
جدو جهدی خالل با پیغیر و پایمری راسته و شجاعت  
و مناسی بیزمار برگای رهمنای قدرمی خزوی و مدیر  
گرت و ته اوی غلر اتنی زود سانلاند و پر هاشتی  
زی مالوزمان و دورزنانی بهندبو خانلو بهن شست  
تر دیدو خن لات هدولم به لارگدنی همه بو بر هدایت

خانه روزپیشی طبرم و پاشان تشریف از مریون هان خواری و پیش  
نهادی گوره دار و گروهان و دوسته هی سفریازان و پیش مرگه  
کانی کوره دوستانه اهانت و هدمی نهادن کرد و به هه موان دوز  
پاش فخر و مولده کامله دستوری مهانی قدر مانندی همه همیز له لایان  
سهریازان و پیش مرگه کان و توبخانه کی گوره دوستانه ده دهیمه  
بی ووجان به انتخاب سفریستی کوره دوستان و ناساندنی دیس  
جمهوری گوره دستان شبلینگ کرا .

پاشان ها که کی داد که نهادنی گوره دیجور یو آسمان و لطفی مینیگنگا  
وزیلکه سروردی ملی کوره دوستانه ده دره ده و ده خوبیدن او برای  
خوش افتاده خسروی شهرداری مهاباد بعیدی دستوری همیشه  
و به تیرینی گرمه دینیگنی اختتام کرد و مومی :

هنین عینی خسروی شهدروی مهاباد همه ده چونه همه همیزی گوره دیه  
که نهادنی کوره دیجور عهزازان قویانی دان همیزه لتهیمه هی فایل  
و کلار ای و ماته ده و دهی فرقه ای همه ده چونه همه همیزی هی فایل  
جنایی فاشی محمد ضییی بود و میروری و بار کیادی به مقامی  
گوره دی پیش ای معن و مانی رشیدی گوره دی عوض ده که مومه  
(مینیگنک و جاده ای) تهرو و پاینی شاری مهاباد اختتام ده کم  
و پهلا کی خاون و یا که مولده کیم یزی پیشوای هفتم گوره دستان  
لدویه آنای خسروی په ناده هه مینیگنک باکه نهیم همروهی  
اما لاعی حاضر ان گهایان :

- ۱- دویای جهانی هلاحسین مجیدی .
- ۲- شفیق جهانی پیش اوا و زیپیش چه معموری گوره دستان .
- ۳- شفیق جهانی شاهی ایهشی .
- ۴- اهلی آنای محمد حسین خانی سیف قاضی .
- ۵- اشماری آنای هزار اشاری میلی .
- ۶- اشماری آنای هیعنی شاعری میلی .
- ۷- خشنایی آنای بیده احمدی طهزاده .
- ۸- خفنی آنای شیخ حسنی شمس الدینی .
- ۹- خلقی آنای عمر حنان .
- ۱۰- نسبتی آنای ذیروهه ک .
- ۱۱- نعلی آنای محمد داون و مدنی .
- ۱۲- نعلی آنای سید عبدالعزیز .

هائی ایلی قوہ پاک

دوستندوں

لمسالی ۱۲۲۶ هجری قمری بدین موافقات  
آغا محمد فاجران لدموری حکومتی بوداق  
خانی موکری ایلی بیور او هائمه دشتی سندو  
س کچگیکو هدوار گئی ایلاتی میاس بو جی  
گنگیون تاریخی فوجدری صفحه ۱۴۹ چلذ.  
ک

ایمه ده زایین کند و لئی دیگناتوری ایران له  
روزی حلقتهو نائتو رو همیشے خدریکی بلاو  
کردنوه کوچ پیدا نلعنی بردن و نایود کردنی  
کوردبیون پیاسیتی اهدووری صدیقی کان به  
ولاؤ که میسانه اوش کوردبیون هم و پیره  
کوچوتنه سعر میشکی کاره دستانی ایران که کو  
دلله بکرن

سالی ۱۲۲۶ حکومتی قیار تور کمانی  
قره بیهقیان لدمتی سندوس دامگراند هینا  
یانه نوحاکه کورد شنیمه خیلانی پلایس بدوان  
شہ زور ناراحت چون لیشگان دا سر قاره بیان  
اٹن و گلیک گوتاراو تالاران لی کردن و  
هدتا جونه ساین فلا بظاگار گوشتن رومشتن

وحاکمه کمی خوبی امیستگان یاک کردوه  
بودانچ خان لما نایاب السلطنه عیا س میرزای تو  
سی لهشتریکی قورسی لهزیر فرماتی احمد  
خانی کورودی مقدم و عکسرخانی معوضاری دا  
نارده سور بیانه کان لهیاش گلهیک شعرو و کو  
شتار بودانچ خان بعمالمت رویکی خسته وو

سالی ۱۲۳۱ دوباره ایلی بلباسی بستانده و می سندوسی له چیا کان چون خوار بوداق خان و یشی ییشان یی بگردن بتوان الباطنی ی نوش که کومه کی که نوش امیر خانی ایل خودی و هجده تاریخی من اهلی به عالمکن خانه شد و در آن سال ایل خانی را که این خانه را بنامیدند

شانازی

وہ لام بوجانہ میں ۔

مادردی نه بزردو شاعیری بی جاک و جاک من  
روزی هزار او کشید و شعر سدی آسم

داست و دهوان و زبرکو آزاو دلاوهرم

بودوزمنان لجهشی در و زرد و ام بلام

وَاللَّاهُ بِسْيَ دِر، سَهْ رَانْتِي مَهْ رَامِي مَنْ

حدل ناگرم لامسلکو آمانچی خرم نهنس

دوس ؟ نایه لهیه حجه بدری کول همچی هجوم  
بو سدر باندای ملهنه کلم کوششی ده کدم

چوار سال به روز و شو نمره و تم هدام نهاد

نوشیم زو خاوه هدر خمهو تائی بو خواردنم  
شاوی نه بیوم و قز نه کر امو و مردز نه بیوم

نی کشاده و مله کارو به سنجاق امیری نهاد.

تادای نوائند له بدر هن تو سایم بود و دو همن  
و ملکه بی، کلاک گی به گهاز، جملات.

## کاتی که زانی ز

چق جو یهی له دور موهه دوزن هرسی من  
زمهای ده چی بینی هه گهر لبی کو و تم  
نه بولو نم یهه که ددم کرد به ناله نال  
و شار سو و ماله اش کو زدی به خوندم

کوره‌ان از بدو تاریخ تاسال  
شاخه سوم کاسای یا  
کوشیها

قریبیہ : سید ویکاں حبیبی

حرانیه کاسپیا یا کاسپیا شاخه سوم از متفقونه زاگرس را تشکیل می‌دهند. این شاخه اول با در «خلقه» گرمانشاه کوئی نظر داشته و تابع آمدنشان بین همۀ از مجموعه است یعنی ایزنا از خارج باین بلاد دیگر مدد آن بلکه از ساکنین اصل این سامان هسته‌هودر پیچیده بچاند.

کوشیده با کلیسا در ارسطو قرن هیجدهم قبول از  
میلاد بزرگ باشد بابل ستوی گشته و در آنجا (در)  
سرمه و آنکه دوستی بین وند پرا شکل داند  
که بنام (کرد و پیش) معروف گردید و در حدود  
شصت قرن دوام کرد و آزادی و حریت را که این  
دولت کردی تقدیری در چهار هزار سال بیشینه  
از تمام رهبریان ای زیر دست خود بخشنید. غاریق نظری  
آن اتفاق نمهد «۱۶»

هر آینه کاشیها بس از زوال حکومشان بطریف  
را گروں پنهان میلا (اروستان کوئنی) کہ  
جنگ لڑکوں قدری بشار است سر از مرشدند  
پنیں باید داشت شود کہ ایں قوم دلیر باخت مقاوم رور  
از مارپیچ (بیل)۔ (کیاناز) جنے والیہ را از دوست  
و مولی نمودند که قاتل را کسکدند

دوشنبه هرگز در چهارمین روز سال پیش از عید نوروز بازیابی نموده است. خود بخشیدن، غاریخ نظیر از مردم و راهنمایی از خود بخشیدن، غاریخ نظیر از مردم و راهنمایی از خود بخشیدن، غاریخ نظیر آنرا اندان نموده‌است.<sup>۱۰</sup>

حرام‌بندی کشیدن پس از زوال حکومتستان بطریف را گروپوس بهمنی می‌سازد (لوستان کونی) که جزو «ذلیل» است اما در میان اینها مشارکت سر از رسیده شده است. نیز باید مذکور شود که اگر فرموم دلیری بایستی حق امداد و امداد از طرفی (بله - کافلان) جزو «ذلیل» است از زوال حکومتستان بطریف است. این مصادر مذکور مبنی بر این است که مسخر خود می‌شکرند. و اسکندر مددوتوی شکایمکه ببرخاور زمین متولی شد با این این بروشده با آنها جنگید از آینه‌جاتا پیشیم که اینها می‌باشد دو لورستان کونی باقی بودند.

شاخه چهارم - سوباری  
 م [سوباری] در زمان باستان با در دوره آکاپولیز  
 بزری هجر ایانی بود و بین یک کشور و سیع کشور  
 شمال حاکمیت کشیده اسلام را کوه (آمانس)  
 در ولایت افغان واقع است و از زیر آن خط  
 من میگذرد (آمنه - حاب) املاع میگردید.  
 زبانها این اسم بر قبایل سپاهی از کوکواده  
 -ستان اطلیق میشد و قسمی از این قبایل در واڈه  
 رانیون و سوزری و انانوں بر گذمه شدند. و  
 آنها همواری و نازدیکی هر یک شاخه از سوباری به این شیوه  
 از ازاده در دارابه شارخه سپاهی سوباری را سپاری  
 است. همچوین و ائمه کاظم آنها میدانیم ایست آنکه  
 (نیزدات بازیزدر) اول (شورش) که یکی ای  
 شریهای سوباری بوده مادر، نمود ولی قبایل مختار  
 سوباری بشدت در برابر او مقاومت نمودند ۲۴  
 (۱۱۰-۱۱۱ قم) پس از این اسم سوباری به اینها  
 و پیهای آن اسم (نایاری) آشکار گردید: با این  
 حال احتساب دارد که نایاری، نایاری شاخه های هر گز  
 ماوهی له لاهه هری

کتابه و له کارو به خجالان او ارس نهوم  
نادای نواند له بیر مونتایم بود و نهن  
و ملک ریوی گلکی گرنه گلارو و هلالات بر ا  
کاسی که زانی زمده دوزمن هلالات  
حق جوینی لسدورمه و دوزمن نهترسی من  
رهلهای دوجی بیتی ۴ گهرابیوی گو و قم  
هو بو ابروی همن ۵ که دسم کرد به ناله فال  
وشیار بسوه ملکانی گوردی به خویندان  
ایدهم به تاجی شاهو به ۶ و سگی خسروان  
نهو سدر کلاوه هر مرزی بورو نیسکنم  
فیکرم باشند بی غش و خلوته روحی من  
هر چند شلو شو تو دزو ماش و جاش

نوازه بیسری رون و خبایانی وردی من  
منواره دریش و همشو ده جاوه چلکنم  
بوجوه هماروژنی به خورابی خاله مین  
ایسم لاده تو که باسی سدهه بخت کردنم  
نه و هبین قحطه بر جو به کاکولی من مسکه  
دور و بیش نیسم بس اله به من شیری بر جشم  
قدیدی چیمه که من کشیدم گهر دمیلی نه تو  
لندو چل جاهی به سوره مدهه ماوه هله رام  
جنونی پیشتما مسو جه او تیم گشته نیه  
آتابانی ادعامه که نایسته بسی زام  
لهم زیره به عازیزی دلم حالی خوش و میست  
شاگردی جو کی تو مو کوری چاکو «همینه»  
«شیمین»

(زنانیان گو آویانه) همراه کمی بکایانه یارستی - آندری دیشی شکنشی

لشکریکی فورسی لوزیر فرماتی احمد  
نی کورودی مقدم و سکرخانی هوشاری داد  
ده سهر بیانه کان بیانش گلیک شدروکو  
ار بوداق خان به معاملهت ریکی خسته نمود  
۱۲۳۱ دوباره ایلی بیانی بوساندهندو  
سندوسی له چیاکان چونخوار بوداق  
وستی پیشان یی بگریت و غایب اسلامه  
نویس که کوهه گئی یک نیوچی امیر خانی  
ای خوی و مهدجفر ای خالی مراغه ای بهادرک  
اذاره هاواز و پیشان بیمهل گرفت و مشعر  
کوششان را گزگرد له هردو لاوه نیز یکی  
هزار کهکس کوزران بیانس زور  
پیدا نمود  
وقته و رویه چیاکان گورانه بودوزه ایلی  
میهیاق لستندوس یی گیریو و نمود طاکه کیان  
گیر گرد . لکنی بی ناوارانی گور دور گیر او  
فادری مدررسی

(زانايانى كوردى)

جواب سوالات

四庫全書

دیکھاں وہاں پلاٹا کو

دعاگانه ۱۰۰۹

دیجیت چوہ و سعد مولیٰ مردوہ و

بیهق و زبان

دیہ طیر ان

نیوی مہمودہ و حہ لکی شاری

۱۳۰-۲۴ میلان دیدالدین بک بوهدود دیو انبی

رده‌ی همه به ۱. شیخ سناشی ۲. حکایاتی

که امانتی داشتند.

مہلای باطی

پوی مهلا احمدہ و بہ پاٹی ۶۰

سالی ۱۴۱۷ء میلانی احمدی

ک بوجو و لہ سالی ۱۴۹۲ میلادیہ

۷- حالیہا ہمار لہ باطھ کے لہ دینہ ہاتھیں

تروسکهی کوردوستان

هدوبل رزماده روزنامه کوردوستان و مدر  
کیوت ترسکه خوی به مر تهاوی خاکی  
کوردوستاندا بلاکر کردوم که نیشنام بزوره  
گان ووردهنه چهروزیکی خوش کایده در  
مانی باور پاییزی خوانه روزنامه خوان ده  
خونینهنه بودم لمحهای بزرگ هدیه که هدنا  
همانجا یکه روزنامه خوش و سه پایه اداری و  
کورکدو کوردوستانی من لایشکی زانین و  
هر هنگ بعد ادار بست . محمد عطایی

١٥٩

تمهار ایانه کدله زیره و نیوان دنوسی ۲۵۶  
یک پتویه خوی نامه میلی اداره ای روزنامه  
کوردوستان نویسه و لعله کوتی ۱۰  
تایله زور افهاری خوش وختن کردوه و  
در حقیق به همین کشانی اداره روزنامه  
بنگاهی چایخانه گه لیکیان بیرون و  
نوادو :

۱- برای خوشبودیست سیدگلزار حسینی  
نمایشی شعر می‌نویسد:

١٥٩٩ میا، ۱۹۷۰ کے حوالہ

دیتم بهجاوم نمردم امرو  
مقصود حاصل برو جا اوچار برو  
۲ آغا عبدالحقانی  
۳ باي فداکار حسن رحیم زاده دهنویس :  
چندناسال لمده بور آلو هنقاتن خله لده کشا برو  
روزگری سه کوردان په مخوا په مخوا په مخوا په مخوا  
لهاکار چاوون په الای تندس و ده امده بور  
ی کوردوستان گهوت ده بینه ارم دره من  
کسرا و سهرگی هملق، لوز، ساریز و ایستا

مہدرسہ گھلاؤیز

پاش، اوایلیونی فرمایشان پیشوای مقام کشور  
دوسنگان همن ملا. دادوی اوادام کرد هم گهر  
نه تن پیشوای پدرین زمان یار مرتقی پندار موهه بوزوانه  
قویت بخانه کی له گذره کمی قوله بیران داده باز  
زیمهن پاش تدا اویونی سیری هر روزه بوسید  
بینه را حدا و هدروهه دسته بیک لعله دلگذگه کانی  
شارو له دلدوزه کانی دورو به بیان هانه لامو  
دوز اسازیونی بارده کرد ناکه لاثت وی ۱-۲-۳  
۴۵ داله خانوی حاجی احمد گاذانی هه که بیمه  
به نهودی «گلابویز» رومندره و هوغول کمیکی  
بهم خوبه بندن هیرشیان هینابو هه بس ایانی

خوازنه: **عمران** - ابراهیمیان - حسن - حسن - بور - محمد  
داودی - علی فرهادی - سید عبدالله طاززاده -  
حامدی، خسروی - صادق معرفوی سراج - هاشم  
موسی زاده - محمد داودی - بوردو - بی خوبیند  
نیزیان دوامولوستا کمال سعید - داودی - بوکوئی  
دریزی زمانی کوردری و کار رحمن طلمعی  
بی کوئنی رویی داندرانو چونکو یوهوقا تایخانه

۲ آنای عزیزی

۳ بای قدر اکثر حسن رجیم زاده دستویسی :

چندسال المعمور آمو و هنفانه هلهمه کیشا بو روژنکی که کوردان به سر مخلو و پیغم و لنهکار چاومون به لالای تقدس و لالای هر زی کوردوستان سکوت دان بیندارن درمان سکرا و چهرگی هلهفلر لوز ساویزرو استا بدیلکی یاک لخودای بهارز دستوازم :

تاروزی فیامعت متموهی کورد توش دواکون نه کا و مالای مقصدی کوردوستان هرسر بلند و کو تسبیریدی آسمان بدرده شی و ترسکه وی چاوی دوزمن کوپر بکا و به تدوابوی کارگرانی ادارمه روزنامه بنگا هی جایخانه روزیاش عرض ده کم .

### ( سکوندوستانی جوان )

تروسکهی برسک لمانو پاهه هوی رهشی بهاران ، در کوتوئی مانگی چارده بو ریوار یکی ریه لیکور او و سرشاری او ، درمانی ده روی لیقه و ماوی هومید براو : دیاره هاریه ک به گوپری خوی زور خوش و پیچی په ... .

نماهه خودا کوردوستان ده کوتوئی دیتنی هدول زمارهی نوبونه لوانه زور خوشنو پهچتره : چوتنو تیشکو ، توکلهمان او ایندا پر غری بلا برتوه و چاوی هبو روناک بره همیدم و اه نیشتمان پاره و دیه بی روناک بره همیدم و اه چارکنی تر له آسمانی زینی کوردان دا بهله هوی هی رمش و نه گلته بینه دنیست .

پهشتوانی خوی هی هاونا کهرونا کی دمری تویوی توش برو و بروه کار گوهه واری خوت بور و تدوابوی نیشتمانی ایند سوزو سی و سور کردد و دارو برد و هر دن رازند و توده زیارت و موهی کهه دیه بوسک کهونتی تو تی ده کوشین چونکه دیریکی راست و رهوانه بلو .

ماوهی لالارمه ۴

و کو برايان همه دهاران سایکی ئ اووه که له لزان حزبده دستوره امامی جمهه درابو که خلبهی جمهه به کوردنی بخوند رته و امام له پشدا خلبه کهی به کوردنی ده خونده و پاشان به عربی به لادونی ۱۲۳۴۵ « ۱۱ » امام پاش بسله ، سنه ، تباوه . آیه خلبه کهی به کوردنی ده خونده دل ۱۵۰ و کوردنکی یی رون بو و به ته و اوی لی حالی یون و شکرانه خدابان کرد که نه ده رو به زیانی خوبان کوپریان لخلبه یه ولی حالی دهن و تهه له کوردرسته دنیا پیسا بهه یه و بر ابره ده گه ل شه رهه نی خاونی اسلام .

بهه ئه مری پیشدا و ریس جهودی پارزی کوردوستان

للهابن حزبده به جه نایی ماوسته للا حبین « چهی » . اه ام

جمهه ، سید محمد حبیدی امر داوه که خلبهی جمهه اه سفر

دستوری ز بر و نیظیم تکری :

بارهه ده گل خراتا ، و اه ارمی قانون دن . پهاری

و ابجادي بیمارستان . تائیری اشتت له سهور کوتوئی نیشتمانه

تمدنی کوردوستانی قدیم . اختماد به قس و اهیت سرازی

وطبقه و بونی وی . زن دهی ده جمعدها چاون یه رسکاو

لدویکی درس دا لندوری یک کوپونه و ده

فراریان دانا سهنداده توان و هشتناییان هیهیه

شتوانی ( موچگا ) بعریز ، یکنون بپیشکوئی

کاری له کوکی روموری داین ومنی وی خوشیان

نادمهه نیش کوچون کهه ده و مک نیو کهبان

قوتابخانه کهش و میش بخون .

سوپاس برو خودای بروزه بی آوال موانهش

پونه لمپریت . پاش چند شهوان شه ویکی

کهبرو سی تعن بولی یکنگی ده ماوستانه کان

دنهه لادا بون و کوتمان دهی ده بیکه لسو

چیلانه کهش بیکش کن .

ماوهی لاپرد ۲

کو ردان آز بیلر تاریخ ...

از سواری بوده و تدریجه همه سوپاری را نهست الشاعر خرد گرفته

و هر را تاری گفتنه اه . هر آیه کوردان ( شهذاتان ) کوچن بس

طوریکه از نام آنهاه معلوم است به سواری ایزیری اشتباهه اونه .

دنهه لاده

۱ ناریخ قدمی ۳ ناریخ آشور باستان .

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

ب

آگاداری

- بایدی دستوری پیشنهاد و اورده یعنی جمهوری  
کور دستان له ۲۰ - ۱۰ - ۳۶ هه ینه تیک  
له آغايانی فرده منگی له ایداره قدره  
ننگ کویونه و پهستند کرا کمهدار  
هه سی په عاهوی به نیوی مه که تبی کر  
مانجی کور دستان نیودار بی خواهش  
ده کهین له تو تاریخه و به نیوی بسکی که په  
سند کراوه (مه که تبی کر مانجی) بنامن  
مبیانی

نابی له مالیات معاف بکریم  
آغای حبیب سایعی (حبیب زرد) ها  
یداره‌ی روزنامه‌ی کوردستان گله  
ده کا آدو ناله هدل ده کیشی کهایدا  
رهی مالیه بوجی باوجود توانانی  
نه در خوم بو دانی مالیات بردا آ  
له بیر یان کر دوم و نه دانی مالیات  
معاف کر دوم

کوردستان: له احسات نه و پیاوه  
نیشتمان پهروده سوپاس ده کهین و  
میوامان وا یه که هه مو کس د:واه  
مندو کاسب وله نه و پیاوه به رزه که  
عجیج دارایتی نیه سهرمشق هملن گری  
د بودا نی مایانی خوی ایشستی بیکات

ماؤهی لاپهري

- خود و منانهم الایه که به خوشی لاران چنان دوماً مقایم و به کجا باری  
کمی (آمین) یا نی در جهی بهرزو سر بلند بیت و سفرای  
دو لعنی ایمه له هندوانگ کوکره و قسمی قیوکراوین (آمین)  
و دولتی جزیرانی ایمه

(اتخادی جماهیری شوروی) هبته به عزت و شوکی زیاد بی  
ولفسر دوزمنی مظفر بی (آمین) و تو زمانه که نه رسرب  
بهستی سپاه و پادشاه و مالی خوبان به تلاش موردي رحتمت  
خدا وله درجهی شده داین .

و آخر کالمه ایمه جمهوری ییکه که نه هعلی بهده شت له ورودی  
لاران داده بین : حمد بخوداییکه کچران هدایتی هنگارد  
وشه کچرانی روناک نکرداره بیدو نمته بسی پاسنه ده  
سکشن و دو نهاده رازاده بینی هاشم وشهه الی سراج الدین که ابره  
حاضرین العددان خوازین که له سه و خدمت به نه تو وی کورد  
بر حلتمت بیکن و موافق بن .

ب فلتقی چه نایی پیشه و ارتیس جمهوری به رزی  
کوکردستان :

کوکردستان و مقیتی جفر افایله کمی مخصوصی هدیه کهدی پسانده و  
وی تهومی نهاده و ملبیکی کلمنیوناندا فاصل و لیکیان بیرون و  
کورد به سروره کوه و بیکوه سکونیتان تیی داده همچو دارای  
مالکیتی ملین دهدان . به سر هارو سوابی تاریخیان به کوکومعما  
تیی داشترین . خاوندی آذوق اعاده روسیه تییه کی و ان که  
درینه سده و محو حارثیک نی تو نیویه ستبیک لعنایی ملیتی  
نمودان . پیدایکه

کوکردستان قدریم از ازان پادشاه حکمدارو شکل ایلان بیووه .  
هزارلم که دستان آزادم ایلان ایلان ایلان ایلان

۱۳ - نلقی آنگای ابراهیم ادهم .  
۱۴ - نلقی آنگای محمد فیض الله کی .  
۱۵ - خلابی آنگای ناماوازده .  
۱۶ - سرو دی مدرسه کوردستان .  
۱۷ - سرو دی مدرسه کیهان .  
۱۸ - خلطابی یا و لامه صدایان .  
۱۹ - خلطابی یا خلبانی ییجیری .  
۲۰ - سرو دی مدرسه کلاروز .  
۲۱ - سرو دی مدرسه سعادت .  
۲۲ - خلابی آنگای احمدی ایلخانی زاده .  
۲۳ - خلطابی آنگای محمد قاندزی .

نهوا ایمهش نطق و وتهی هسردیک له آغانان و  
باشه کان که به اداره دی رو تهانم گئیسته و بو آنگداری  
خوندن و مارانی خوش و میست ده توینین : هنر کسی  
له آغانی ییسردز نطقی کسرده و بسادرانی  
روزنه ای نهار دوده و رجاده کن خلاصه کمان  
۶۰ پنیری ) الف : دنای چنانی ماموسه مسلا  
حسین مجیدی : آشانان . حاضر ان . اولا  
له خودای بیز ده خوارزین کیشی وای مرنی ایمه  
لعد الدنی عصری کوکری خطاب و امامتی او عبیده  
وشجاعتی خالدی کوری واید و علمی علی  
کوری اوطبل ( خدایان ل راضی ب ) به هر  
و دری . آمین .

سیوا مان وایه که هه مو که س دهوله  
مندو کاسب وه لک نه و پیاوه به روزه که  
هیچ داراییشی نیه سه مردم شق همل گری  
و بود انى مایاتی خوى پیش دستی بسکات  
سوپاس

سی پاس به پیه‌ی آگا. ارzi زماده ۱۸۲-۱۱۶: ۲۴ کسبیون داشتیو روزی ۱۱: ۹ ۲۴ آغازی حاسی محمد آغا مالکی ایندیه اش شاهن سد بوطی داری و بشکی پیرو و سر بر پر طداری و تاقی کوچمه‌ای به هزین کرد له بدر همراه هیز مر که زی دیمو کرانی کوردوستان له احساساتی وی اظهار قدر دانی دمکا . سعدروک استادهیز مر که زی دیمو کرانی کوردوستان «مرادی»

ماوه، هـ، مسنانی جوان  
رسپوری وی لی گودارو و ملک شفاق، ممتاز است  
پیشانه دری ریگای پایه داری همو آرمانه بی که هدنا  
تذوق و حفظ از آن روپرینام لمه سهردار او و چن صد  
سالابو کنیدا و بیل و سدر گردان بون: به  
و دهد رکو تونی تو گهیشته سفر هن تزلی مراد و به  
دشته تو ده، مان دمردان و گیر کوت و برش.  
که مان ساریز بو و ناهو میدی و لی قدم اوی و دهربه  
دهربمان له غاف و دزم جو.

وایه شویکی بر له همیده به برایه نی وی که تی  
لندوره ویری به کرمهه کوبون، بدابکی هزار  
ویزئن نوس اولی لایلهه کات ده خوارین و مدهشی لی  
هدلهه ده کرین هنداخوان و بیشکوون و سهر که.  
وتیکی نیاپر آماده که بن . مانگ کرسی

( ان المتقين في جنات وعيون دادخواها بسلام  
أمينين ) كهيرزونگ کاران الیاپاتی بمعرفت و  
کایاندا داده تینهن و مسلانه، بسوانان دلین :  
و درن بسلامات وله همی ناز حنوتک اینین بن  
و دردو بالای دنیا لاجر یاشان خدمای دلیلی هم  
سلامانه وواردیونی هم اشخاصه دهدارمی :  
وزنعتنا مافی مسدورهم من غل اخوسانا عالی

سر متفاکلین .  
بانی ایمه له بور سی و کوششی خوان حسدو  
کیهه و پنهانم لهوان دور کرد ووم کو براها  
نی که له یه ک رگ بوین امه ر تفان دا  
ده نیشن و به ادب رو له یه کندی ده کدن (جو  
نکو بست له یه کندی گردن نشانه هی بازتابه  
و نهه م نه توانه هی جور جوری کلهه هشتما  
افقانهان همه له اتری تر کسی حسد و کینه و  
له اتری نشان دان ، نهان و کمهه گر هم که

له دنیادا یسکیان گردوه نه گبر و ابی نهمه دوین  
تر کی کینه و پنهان و تلاقی بکرن و بمقامی  
اشخاص مزاوار حسدته بهین همین حدیثک  
له کیی (صلم) نهوش له ابوسعدی خدری  
نقل ده کما که یقیبیر (ص) به خوش قدرمودی  
ابوسعدی باشک دردیک له کاتی جونی بهدهشت  
باشک دم کما : که له بدهد شندا بزی و بی متر گ  
وله شاغ دمی بی به خوشی و همیشه جوان زده  
بی پیر نای وله نهنتی خودا به شدار دمی بی  
ثارخنی و نا هو میدی